

# بانک مرکزی کاملاً وابسته

گفتگوی اختصاصی با دکتر علی رشیدی، اقتصاددان و استاد دانشگاه

دکتر علی رشیدی:  
دوره بعد از انقلاب،  
دوره آشفته سازی  
نظام پولی و بانکی  
کشور بوده است.



و بالاتر از همه، درجه تکامل بازارهای مالی یک کشور، در درجه استقلال و انتظار استقلال بانک مرکزی نقش دارد. (ب) درجه استقلال بانک مرکزی، یک تصمیم سیاسی-قانونی است، ولی نکته مهمتر این است که چه مکانیزمی برای نیل به آن درجه از استقلال ابداع شده است. این مکانیزمها باید به نحوی طراحی و اجرا شوند که جریان حرکت و تحول سیاستهای پولی، به افراد دست اندرکار در زمان معین وابسته نباشد. در هر صورت، بانک مرکزی با هر درجه از استقلال، باید اهداف قانونی صریح و خوب تعریف شده، مخصوصاً حفظ ثبات قیمتها و ارزش پول، داشته باشد. کشوری که می خواهد با گذشته خود قطع رابطه کند و برای آینده سیاستهای پولی خود، آبرو و اعتبار کسب کند، باید قوانین و مقرراتش به طور روشن و آشکار این وظیفه را برای بانک مرکزی معین کند.

● چه عواملی باعث گسترش استقلال بانک مرکزی می شود؟

○ استقلال بانک مرکزی به سه عامل بستگی دارد: الف) نقش، ترکیب و نحوه انتخاب و انتصاب هیأت عامل بانک مرکزی، ب) وضع محدودیت قانونی برای میزان وام دادن یا ندادن به دولت، پ) استقلال بودجه ای بانک مرکزی. اما مهمتر از همه عوامل مزبور، طرز کار و عمل بانک مرکزی است، یعنی تنها ارابه یک تعریف روشن از هدف

● جناب دکتر رشیدی، لطفاً در ابتدا بفرمایید که اصولاً موضوع استقلال بانک مرکزی چقدر موضوعیت دارد و چقدر مهم است؟

○ در کشورهای دارای حکومت حزبی، دولت به نمایندگی از طرف حزب در مقابل مردم مسوول است و می کوشد تا وعده های حزب در موقع انتخابات را محقق سازد. در صدر انتظارات مردم از هر حزب هم رونق و رشد اقتصادی، داشتن شغل و کار، به معنای بیکاری اندک و ثبات نسبی قیمتها به معنای تورم اندک قرار دارد. ثبات قیمتها خود به معنی حفظ ارزش پولی ملی است، یعنی فقیر نشدن تطبیقی یک ملت در ارتباط با سایر کشورها، مسوولیت اجرای این سیاستها برای نیل به این اهداف کلان هم عموماً به عهده دو نهاد است، یعنی وزارت دارایی و بانک مرکزی.

بنابراین، مهم نیست که بانک مرکزی از نظر سازمانی تابع وزارت دارایی است یا نهاد مستقلی است؟ بانک مرکزی خصوصی است یا سرمایه آن متعلق به دولت است؟ و یا اینکه مقامات پولی چگونه انتخاب می شوند؟ بلکه مهم این است که سیاستهای این دو نهاد در جهت اهداف دولت و وعده های حزب به مردم باشند. باید اضافه کنم که در بعضی از کشورها، بانک مرکزی قانوناً مستقل تر است و در برخی دیگر کمتر استقلال دارد. آنچه مهم است، طرز کار و عمل مقامات بانک مرکزی در جهت اهداف دولت و جامعه و تعهد دولت در مقابل مردم است.

● استقلال بانکهای مرکزی به چه عواملی بستگی دارد؟

○ استقلال بانک مرکزی در هر کشور قبل از هر چیز به دو عامل بستگی دارد:

الف) مفهوم استقلال از نظر سیاستمداران و جامعه به طور عام. به عبارت دیگر، درست است که استقلال بانک مرکزی درجه پذیرش سیاستهای پولی (نرخ بهره، حجم پول، درجه تورم قابل قبول) را توسط جامعه بهبود می بخشد، ولی خود نظر مردم هم به سابقه عملکرد بانک مرکزی درباره تورم و حفظ ارزش پول بستگی دارد. از طرف دیگر، وجود یا عدم وجود مکانیزم کنترل متقابل و تعدیل، در سیستم سیاسی مهم است و بالاخره حد آگاهی و شعور اقتصادی جامعه و درجه شرکت مردم در بحث راجع به این نکات مطرح می شود



سیاست پولی، به خودی خود برای بانک مرکزی کسب اعتماد نمی‌کند. مردم هم باید به این اعتقاد برسند که واقعاً بانک مرکزی مستقلی دارند که در جهت اهداف سه گانه ملی کار می‌کند و این امر در صورتی میسر است که مردم بتوانند به نحو شایسته طرز کار و نتیجه سیاست پولی را زیرنظر داشته باشند.

### ● علت ایجاد اختلاف بین دولت‌ها و بانک‌های مرکزی چیست؟

● با توجه به اینکه در جوامع دارای حکومت حزبی (دموکراتیک) هدف دولت و بانک مرکزی- هر دو- خدمت به اهداف کلان اقتصادی کشور، یعنی رشد و توسعه اقتصادی، ثبات نسبی قیمت‌ها، ایجاد اشتغال نسبتاً کامل و حفظ ارزش پول ملی می‌باشد، لذا طبیعی است که در این مسیر اختلاف پیش می‌آید، علت این اختلاف هم جابجایی اولویت‌ها است. توجه دارید که وزارت دارایی یا خزانه‌داری، مسوول تأمین بودجه برای دولت است. بودجه یا سیاست مالی دولت هم به چگونگی تأمین درآمد و چگونگی خرج پول توسط دولت می‌پردازد. بدیهی است که چگونگی تأمین پول برای دولت- چه گرفتن و چه نگرفتن- یک امر سیاسی، اقتصادی است و بالابردن مالیات‌ها، مالیات‌های شخصی- مستقیم یا غیرمستقیم- مالیات بر شرکت‌ها، بخشودگی‌های مالیاتی و بالابردن یا پایین آوردن نرخ‌ها، همه شدیداً در روزنامه‌ها و رادیوها و در کلاس‌های درس و در مجالس مقننه و در خانواده‌ها مورد بحث قرار می‌گیرند. اما مسوولیت بانک مرکزی، قبل از هر چیز، حفظ ارزش پول در سطح ملی و بین‌المللی از راه حفظ ثبات نسبی قیمت‌ها است و حربه آن هم کنترل نرخ بهره و حجم پول است.

### ● لطفاً در مورد رابطه بانک مرکزی و دولت در ایران قبل از انقلاب بفرمایید.

● قانون پولی و بانکی سال ۱۳۳۹ که به موجب آن بانک مرکزی ایران تأسیس شد، مثل هر قانون پولی و بانکی دیگر، وظیفه اصلی و نهایی بانک مرکزی را حفظ ارزش داخلی و بین‌المللی پول (حفظ موازنه ارزی کشور) اعلام کرده است، ولی با توجه به نظام حکومتی موجود، یعنی برقراری حکومت دستوری از بالا به پایین، سازمان و تشکیلاتی را به وجود نمی‌آورد که بانک مرکزی مستقل باشد و بتواند این وظیفه را به خوبی انجام دهد. سازمان و تشکیلات بانک مرکزی، کاملاً وابسته و زیر نظر دولت است.

اضافه می‌شود که برای قضاوت درباره استقلال یا عدم استقلال هر فرد یا سازمان، باید به سه نکته توجه کرد:

- الف) قدرت تصمیم‌گیری، مقدمات لازم برای اتخاذ تصمیم و شرایط لازم برای لازم‌الاجرا شدن تصمیمات.
- ب) نحوه انتخاب یا انتصاب مقامات تصمیم‌گیرنده (شامل شرایط احراز، نحوه نامزد شدن و صدور حکم انتصاب، مدت و دوره انتصاب، برکناری و غیره).
- ب) بررسی عملکرد فرد یا سازمان، جدا از قوانین و مقررات موجود.

درجه استقلال بانک مرکزی، یک تصمیم سیاسی- قانونی است، ولی نکته مهمتر آن است که چه مکانیزمی برای نیل به آن ابداع شده است.

در قانون پولی و بانکی سال ۱۳۳۹ قدرت تصمیم‌گیری درباره سیاست‌های پولی و اعتباری کشور، در دست شورای پول و اعتبار نهاده شده است که ضمن همکاری با رییس کل بانک مرکزی در اداره امور بانک مرکزی، هدایت کلیه بانک‌ها و ارایه نظریه مشورتی به دولت در امور مالی و اظهار نظر در مسایل پولی و اقتصادی و همکاری با شورای عالی اقتصاد برای هماهنگی در اتخاذ تصمیم‌های مربوط به امور مالی را عهده‌دار است. در قانون پولی و بانکی سال ۱۳۳۹ اعضای شورای پول و اعتبار ۱۵ نفر تعیین شده بود، ولی این شورا می‌توانست با پنج نفر هم تشکیل جلسه دهد. از این ۱۵ نفر، ۱۱ نفر از اعضای دولت یا منتخب دولت بودند و غالباً خود آنها در شورای عالی اقتصاد هم عضویت داشتند. تنها چهار نفر ظاهراً جدا از کادر دولت بودند، یعنی نماینده اتاق بازرگانی، نماینده بانک‌های خصوصی، یک استاد اقتصاد با معرفی دانشگاه و نماینده شورای کشاورزی مرکز. به موجب این قانون، رییس کل بانک مرکزی را وزیر دارایی پیشنهاد و هیأت دولت تصویب می‌کرد و با فرمان شاه منصوب می‌شد. بنابراین، حتی تصمیم‌گیرندگان سیاست‌های پولی و اعتباری هم مستقل از دولت نبودند.

مستقل نبودن عملکرد شورای پول و اعتبار ایجاد شده در قانون پولی و بانکی سال ۱۳۳۹ آشکار است و هر چند که اسمی از وزیر دارایی در ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار نیست، ولی پنج نفر از اعضای شورا توسط او منصوب می‌شدند و در نتیجه و در هر صورت، مجری نظریات دولت بودند.

در قانون پولی و بانکی مصوب ۱۸ تیرماه ۱۳۵۱ نقش شورای پول و اعتبار باز هم ضعیف‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، گرچه این شورا عهده‌دار مطالعه و اتخاذ تصمیم درباره سیاست کلی بانک مرکزی ایران و نظارت بر امور بانکی و



پولی است، ولی در مسایل بانکی و پولی و اعتباری، فقط دارای حق اظهار نظر است و تنها می‌تواند نظر مشورتی و توصیه به دولت ارایه دهد.

#### ● رابطه دولت با بانک مرکزی بعد از انقلاب را چگونه تشریح می‌فرمایید؟

● دوره بعد از انقلاب، دوره آشفته‌سازی نظام پولی و بانکی کشور بدون توجه به نیازهای آن به اصلاحات واقعی کارشناسی شده مورد نظر دست‌اندرکاران دلسوز بوده است. نقص بزرگ نظام پولی و بانکی در قبل از انقلاب، تسلط عده‌ای از صاحبان قدرت سیاسی بر بانک‌ها و منابع بانکی و عدم توزیع عادلانه اعتبارات در سراسر کشور بود. مدیریت سیاست‌های پولی و اعتباری و سیستم نظارتی بانک مرکزی بر بانک‌ها هم اشکال داشت که خود ناشی از تسلط صاحبان قدرت سیاسی بر نظام پولی و بانکی بود و این ایرادات با تغییر سیاست‌ها و مدیریت‌ها قابل رفع بود. اینکه عده‌ای بانکدار ثروت‌های مملکت را غارت می‌کردند و به خارج منتقل می‌کردند و یا اینکه ربا و رباخواری در مملکت رایج بود، تا حد زیادی با واقعیت‌ها انطباق ندارد. آمار و اطلاعات موجود، مخصوصاً صورت موازنه پرداخت‌های ایران برای سال‌های قبل از ۱۳۵۶ نشان می‌دهد که سرمایه‌ها مرتباً به ایران آورده می‌شدند و ارزان‌تر بودن نرخ ارز در بازار آزاد از نرخ رسمی، خود نشانه ورود سرمایه بیش از خروج آن است. فرار سرمایه در واقع، از حدود اردیبهشت ۱۳۵۷ و رواج جو نامنی آغاز گردید که تا امروز هم ادامه دارد.

#### ● نظرتان درباره رباخواری چیست؟

● درباره رباخواری باید گفت که اگر منظور از رباخواری، گرفتن بهره است که در آن زمان این رباخواری به شدت در خارج از سیستم بانکی، مخصوصاً در بازار و بین بازاریان، رایج بود و امروز نیز با شدت بیشتر ادامه دارد. اگر در آن زمان

شکاف بین نرخ بهره بانکی و نرخ بازار حدود ۱۵-۱۰ درصد بود، امروز این شکاف که واقعاً کلمه استعمار و ربا بر آن صادق است، گاه تا ۴۰ درصد می‌رسد و خود بهره‌دادن و بهره‌گرفتن نه تنها حذف نشده، بلکه با تغییر نام همچنان ادامه دارد و علاوه بر این، بهره‌کشی از پس‌اندازکننده، یعنی ندادن بهره واقعی در سطحی بالاتر از تورم به دلیل غیر رقابتی بودن نظام بانکی (دولتی بودن) نیز شدت یافته است.

فراموش نکنیم که تحت مالکیت دولت در آوردن کل نظام بانکی و بانک‌ها (به موجب اصل ۴۴ قانون اساسی)، ملی کردن بانک‌ها در ۱۷ خرداد ۱۳۵۷ و تصویب طرح ادغام بانک‌های ملی شده در تاریخ ۲۵ مهرماه ۱۳۵۸، کل نظام بانکی کشور را از نظر سازمانی و ساختاری عوض کرد و از سی و سه بانک موجود، تنها هشت بانک قدیم و جدید را بر جای گذاشت. علاوه بر این، قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۸ شهریور ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی هم با هدف حذف ربا و رباخواری، عملیات بانکی و پولی مجاز را صرفاً در رابطه با جذب پس‌اندازها و هدایت آنها به سوی دادوستدها و قراردادهای قابل قبول از نظر اسلامی تعریف و تعیین کرد که با بانکداری به مفهوم متداول آن تفاوت بسیار دارد. بنابراین، اشکالات علمی و اجرایی سیستم بانکی و همچنین دنباله‌رو بودن بانک مرکزی و ارکان آن، همچنان موجود است و نشانه‌های آن را در موارد زیر می‌بینیم:

(۱) تعیین سیاست‌های پولی و اعتباری توسط دولت و مجلس.

(۲) انتخاب رییس کل و قائم مقام بانک مرکزی توسط دولت.

(۳) وضعیت شورای پول و اعتبار.

(۴) کنترل نهایی بانک مرکزی توسط مجمع عمومی.

● به نظر شما، استقلال بانک مرکزی ایران چگونه امکان‌پذیر است؟

● با توجه به شرایط فعلی، امکان استقلال بانک مرکزی وجود ندارد. این استقلال در صورتی بروز خواهد کرد که مجلس متعهد به حفظ و تأمین رفاه و منافع دراز مدت کشور باشد نه ملاحظات سیاسی، گروهی و جناحی. مثلاً وقتی مجلس متعهد می‌شود که نرخ تورم را کنترل کند، بودجه‌ای را تصویب می‌کند که بانک مرکزی حق ندارد مستقیماً به دولت وام بدهد، بلکه دولت (وزارت دارایی) با فروش اوراق قرضه دولتی به مردم- اعم از داخل و خارج- در نرخ بهره‌ای که آنها اوراق را خریداری کنند، مستقیماً پول تهیه می‌کند. یکی از آن خریداران ممکن است بانک مرکزی باشد که اوراق قرضه دست دوم می‌خرد (Open Market Operation). در این وضعیت، بانک مرکزی اگر خواست که نقدینگی زیاد شود، اوراق قرضه را با تنزیل کمتر یا قیمت بالاتر از مردم می‌خرد و با این تدابیر، براساس اهداف خود در راستای همکاری با دولت اقدام می‌کند و سیستم پولی و بانکی کشور را تحت کنترل خود درمی‌آورد.

● در رابطه با شورای پول و اعتبار آیا تصمیم فعلی

مردم باید به این  
اعتقاد برسند که  
واقعاً بانک مرکزی  
مستقلی دارند و این  
امر در صورتی  
میسر است که مردم  
بتوانند به نحو  
شایسته طرز کار و  
نتیجه سیاست پولی  
را زیر نظر داشته  
باشند.



**دکتر علی رشیدی:**  
**وجود نماینده مجلس**  
**در شورای پول و**  
**اعتبار ضرورت دارد،**  
**اما آنچه ضروری تر**  
**است، حضور**  
**متخصصان است.**

که توسط یک شخص مدیریت و هدایت شود. حتی در کشورهای دارای نظام سیاسی مردم سالار که بانک مرکزی آن‌ها طبق قانون مستقل است، این اعتراض وجود دارد که چگونه سرنوشت مهمترین موضوع اقتصاد کشور به دست افرادی سپرده می‌شود که توسط مردم انتخاب نشده‌اند؟ نباید فراموش کنیم که یک تصمیم ساده مدیران بانک مرکزی، مثلاً بالا یا پایین آوردن نیم درصد نرخ بهره در اقتصادهای آزاد صنعتی، حتی حدس تغییر نرخ بهره، تأثیر آنی و فوری بر نقل و انتقالات سپرده‌ها و موجودی‌ها در حجم‌های عظیم میلیارد دلاری دارد، به نحوی که این ورود سرمایه‌ها، باعث بالا رفتن ارزش پول کشورها می‌شود. اما نظام حکومت فردی در کشورها همیشه قدرت تصمیم‌گیری را در دست افراد متمرکز ساخته است و این تمرکز قدرت تصمیم‌گیری در یک نظام سیاسی متمرکز، پیامدهای وخیمی داشته است.

تضاد بین نظریات وزیر امور اقتصادی و دارایی با نظریات رییس کل بانک مرکزی - جدا از تفاوت‌های ارزشی و رفتاری آنها - مانع از آن شده است که سیاست‌های پولی و سیاست‌های مالی، جهت روشنی به نفع منافع ملی داشته باشند. علاوه بر این، دولتی که استقرار عدالت و مهرورزی را هدف خود قرار داده است، باید از همان ابتدا تغییر تأسیسات مویید و مقوم مدیریت فردی، مخصوصاً در زمینه امور کلیدی اقتصادی را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار می‌داد. از طرف دیگر، نحوه اداره امور پولی و بانکی کشور، یعنی فردی و دستوری بودن آنها - چه از کانال بانک مرکزی و چه از طریق وزیر امور اقتصادی و دارایی - علاوه بر ایجاد رانت‌خواری‌های عظیم در دستگاه دولت، جریان تخصیص منابع در کل جامعه را مختل کرده است.

نکته اساسی این است که آیا مدیریت کشور خواستار استقرار نظام مردم سالار هست یا خیر؟ نظام مردم سالار، یک نظام کامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با مجموعه آزادی‌های رقابتی در همه زمینه‌ها است. سنگ

مجلس مبنی بر فراخواندن نماینده خود از شورای پول و اعتبار، وجه حقوقی و قانونی دارد یا موجب قطعیت انحلال شورای پول و اعتبار خواهد شد؟ و آیا بهتر نبود که مجلس برای مهار خودسری‌های دولت، از طریق نهاد نظارتی خود، یعنی دیوان محاسبات عمل می‌کرد؟

● شورای پول و اعتبار در اصل مقامی است که می‌باید سیاست‌های پولی و اعتباری بانک مرکزی را نظارت کند، یعنی در همه کشورها هیأتی هست که با توجه به وضعیت روز، نسبت به سیاست‌های پولی اتخاذ تصمیم می‌نماید، مثلاً نرخ بهره، شرایط دسترسی به اعتبارات بانک مرکزی و مؤسسه‌ای که حق دارند از بانک مرکزی وام بگیرند، و پیرامون سیاست‌های پولی و بانکی اعمال کنترل بر بازار پولی کشور می‌کند، اما متأسفانه در ایران - مثل بسیاری از کارهای دیگر - این شورا نهادی بوده غیر تخصصی و حرفه‌ای و فاقد بی‌طرفی و در حالیکه وجود تخصص و بیطرفی برای شورای پول و اعتبار بسیار ضروری است، ملاحظه می‌شود که مقامات دولتی و وزارتخانه‌ها در این نهاد پست و سمت پیدا کرده‌اند که در تضاد با سیاست‌های پولی هستند. پس در ذات شورای پول و اعتبار، حضور متخصصان و کارشناسان ذی‌ربط نهفته است، نه اینکه - چه قبل و چه بعد از انقلاب - دو نفر مثل دادستان کل یا نماینده اتاق بازرگانی یا اتاق تعاون به اعضای شورا اضافه شوند که بیشتر جنبه دکور دارند. کما اینکه اگر چه بعد از انقلاب تعداد اینگونه اعضا بیشتر شده است، ولی کارکرد اصلی شورا که در دنیا مطرح است، اینجا وجود ندارد.

#### ● نظرتان در مورد نمایندگان مجلس چیست؟

● وجود نماینده مجلس در این شورا ضرورت دارد، اما آنچه ضروری‌تر است، حضور متخصصان در مسایل پولی، کاریگری، مصرف‌کننده، اشتغال، اقتصاد بین‌الملل، بازارهای مالی و سرمایه‌گذاری در این شورا است. در این صورت، حضور چند نفر مثل نمایندگان نهادهای خیلی تأثیری در عملکرد شورا نخواهد داشت، البته به شرط آنکه متخصصان و کارشناسان هم به مسوولیت خود واقف باشند و نظریات کارشناسی آنان بتواند کارکرد واقعی شورا را تحت تأثیر قرار بدهد.

#### ● بحث‌های فعلی در این باره ناشی از چه عاملی است؟

● اختلاف فعلی این است که رییس جمهور می‌خواهد دستش باز باشد و اعتقادی به نهادها و ارگان‌های متخصص ندارد. این اختلاف یک اختلاف فلسفی است، یعنی رییس جمهور می‌خواهد بدون محدودیت هر تصمیمی را بگیرد و همان تصمیم هم اعمال و اجرا شود، بدون اینکه به لحاظ قانونی مانعی وجود داشته باشد. اصل قضیه این است که سیستم کارشناسی و تخصصی منصوب از سوی مجلس در این شورا وجود ندارد، تیمی که تحت تأثیر دولت معینی نباشد و انتصاب عضو جدید هم به همین شکل باید باشد، آن هم برای مدت هفت سال که با تغییر یک دولت، همه چیز از بین نرود.

#### ● لطفاً بفرمایید که راه حل چیست و چه پیشنهادهایی دارید؟

● امور پولی و بانکی یک کشور، بسیار مهمتر از آن است



**مستقل نبودن  
عملکرد شورای پول  
و اعتبار آشکار است  
و جالب اینکه در  
قانون پولی و بانکی  
مصوب ۱۳۵۱ نقش  
شورای پول و  
اعتبار باز هم  
ضعیف تر می شود.**

● ضمن تشکر از جناب عالی به خاطر شرکت در این مصاحبه، خواهشمند است کمی هم درباره طرح پیشنهادی خودتان برای ایجاد شورای ملی پولی و بانکی توضیح بدهید تا در جریان ساماندهی های جدید مورد توجه قرار گیرد.

○ اگر روزی نظام پولی بخواهد اصلاح شود، می توان بر مبنای این طرح عمل کرد. مطابق این طرح، شورای ملی پولی و بانکی با شرکت هفت نفر اقتصاددان با تخصص های زیر تشکیل می شود: امور پولی و بانکی، اقتصاد بین الملل، کشاورزی، نیروی کار و روابط صنعتی، صنعت و معدن و بازرگانی، اقتصاد رفاه و بهزیستی، آمار. ضمناً برای بانک مرکزی پنج منطقه در نظر گرفته شده و رؤسای این پنج منطقه هم در شورای ملی پولی و بانکی حضور خواهند داشت. برای تعیین هیأت عامل بانک مرکزی، تعداد ۱۲ نفر یا بیشتر از میان بانکدارها، مدیران مؤسسات مالی، استادان دانشگاه ها، اتاق های بازرگانی، کارکنان بانک ها، انجمن های کشاورزی، اتحادیه های کارگری، کانون های

زیربنای یک جامعه مردم سالار، اقتصاد مردم سالار، یعنی اقتصاد خصوصی رقابتی در مقیاس جهانی است و این مهم در صورتی قابل تحقق است که نظام پولی و بانکی آن نیز در جهت فراهم سازی بازار و شرایط پولی رقابتی فعال باشد. نظام پولی و بانکی در صورتی می تواند در جهت اهداف کلان اقتصاد، یعنی رشد و توسعه اقتصادی مداوم، ایجاد اشتغال و درآمد و ثبات نسبی قیمت ها و حفظ ارزش پول ملی گام بردارد که استقلال تصمیم گیری - جدا از نظریات فرد یا افراد خاص اداره کننده آن - داشته باشد، یعنی باید مکانیزم های انتخاب، انتصاب، صدور حکم، مدت مأموریت، طرز تصمیم گیری، ضوابط تصمیم گیری و بالاتر از همه، اهداف نظام پولی و بانکی، آنچنان از قبل معین و تضمین شده باشد که همه تکلیف خود را بدانند و افراد و شخصیت ها تحت تأثیر عوامل غیر حرفه ای قرار نگیرند و بالاتر از همه، طرز کار و عملکرد آنها شفاف باشد و مورد قضاوت مردم یا نمایندگان آنها قرار گیرد.

استقلال بانک مرکزی  
در صورتی بروز  
خواهد کرد که مجلس  
متعهد به حفظ و  
تأمین رفاه و منافع  
دراز مدت کشور  
باشد، نه ملاحظات  
سیاسی و گروهی و  
جناحی.



می‌گیرد: نظارت بر موسسات مالی و بازارها، اجازه تأسیس، سرمایه، ترکیب صحیح دارایی، حسابداری، عملیات، بازرسی، ایجاد شعب.

● جناب دکتر رشیدی، آیا در حال حاضر، امکان پیاده کردن چنین طرحی وجود دارد یا نه؟ و برای اصلاح ساختار به شرحی که شما پیشنهاد کرده‌اید، چه مقدماتی لازم است؟  
○ در حال حاضر که امکان ایجاد چنین تشکیلاتی وجود ندارد و اجرای این طرح هم مستلزم آن است که اولاً، حکومت، یعنی دولت و مجلس، ایجاد یک بانک مرکزی مستقل را بپذیرند و آنهم با تأکید بر معیارهای تخصصی و کارشناسی؛ ثانیاً، انتخاب این افراد هم باید از هر گونه شایبه سیاسی‌بازی به دور باشد و رئیس جمهور هم با نهایت بیطرفی با این طرح برخورد کند.

● با تشکر مجدد

مصاحبه از: اعظم هوشمند

بازنشستگی، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت بازرگانی، وزارت صنایع و معادن، شرکت‌های بیمه و بانک‌های خصوصی به رئیس جمهور معرفی می‌شوند و رئیس جمهور هم هفت نفر از آنان را به مجلس پیشنهاد خواهد کرد و پس از تصویب مجلس، منصوب خواهند شد.

مطابق این طرح، بانک مرکزی تشکیل شده است از: شورای ملی پولی و بانکی مرکب از هفت نفر اقتصاددان که وظیفه‌اش اتخاذ سیاست‌های پولی و بانکی و تدوین قوانین و مقررات مورد نیاز و نظارت بر حسن اجرای این تصمیمات است. سپس صندوق‌های بیمه سپرده‌های بانک‌ها و مؤسسات مالی را خواهیم داشت که مرکب از سه صندوق است: (۱) صندوق بیمه سپرده‌های جاری، (۲) صندوق بیمه حساب‌های پس‌انداز، (۳) صندوق بیمه سرمایه‌گذاری ملی. به علاوه، شورای نظارت بر مؤسسات و بازارهای مالی با حضور پنج نفر تشکیل می‌شود که وظایف زیر را به عهده